

مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران (با تحلیل نقشه‌های شناختی ساکنین)

تألیف:

دکتر عمیدالاسلام ثقة الاسلامی

عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

WWW.KETAB.IR

سرشناسه: نقه‌الاسلامی، عمیدالاسلام، ۱۳۵۵-
 عنوان و نام پدیدآور: مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران (با تحلیل نقشه‌های شناختی ساکنین) / تألیف: عمیدالاسلام نقه‌الاسلامی.
 مشخصات نشر: مشهد: سخن گستر، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.؛ مصور، جدول، نمودار
 شابک: 978-600-247-135-2
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۱۴-۲۲۰.
 موضوع: محله‌ها -- ایران.
 موضوع: شهرسازی -- ایران.
 موضوع: شهرسازی -- ایران -- مشهد -- نمونه‌پژوهی
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ت ۹ الف / HT ۱۳۷
 رده‌بندی دیویی: ۳۰۷/۷۶۰۱۵۵
 شماره کتابخانه ملی: ۲۸۱۹۱۵۱



۱۶۹

ناشر: انتشارات سخن گستر و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد
نام کتاب: مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران (با تحلیل نقشه‌های شناختی ساکنین)
تألیف: عمیدالاسلام نقه‌الاسلامی
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۱
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان
چاپ: چاپخانه میثاق
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۷-۱۳۵-۲

مرکز پخش: مشهد- خیابان راهنمایی- جنب دانشکده علوم نمایشگاه و فروشگاه کتاب
 دانشگاه آزاد اسلامی مشهد تلفن: ۸۴۳۲۶۸۷

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۱
مقدمه	۱۴
فصل اول: ریشه و معنای واژه محله	۲۳
مقدمه	۲۳
۱-۱- معنای لغوی واژه محله	۲۳
۲-۱- معنای محتوایی محله	۲۹
ماحصل فصل	۳۱
فصل دوم: بررسی مفهوم محله در شهرنشینی و شهرسازی ایران	۳۳
مقدمه	۳۳
۱-۲- سیر تحول تاریخی محله در شهرنشینی ایران	۳۳
۲-۲- جایگاه محلات در ساختار کالبدی-فضایی و اجتماعی شهرهای تاریخی ایران	۳۹
۳-۲- اهمیت روابط همسایگی در فرهنگ اسلامی	۴۶
۴-۲- بررسی نظرات اندیشمندان ایرانی معاصر در مورد محله	۵۰
۵-۲- نقش و جایگاه محله در طرح‌های توسعه شهری در ایران	۵۹
۶-۲- تحقق و اجرای نظام محله بندی در طرح‌های توسعه شهری	۶۶
ماحصل فصل	۶۸
فصل سوم: بررسی محله / واحد همسایگی در شهرسازی معاصر غرب	۷۱
مقدمه	۷۱

۷۳	۱-۳- سیر تحول تاریخی الگوهای واحد همسایگی در شهرسازی معاصر غرب
۸۸	۲-۳- بررسی نقش‌های محله در شهرسازی معاصر غرب
۹۴	۳-۳- انتقادات به الگوی محله در شهرسازی غرب
۹۹	ماحصل فصل

فصل چهارم: نقشه‌های شناختی ساکنین از محله و روش بررسی آن

۱۰۳	مقدمه
۱۰۴	۱-۴- مفاهیم بنیادین تعامل محیط و انسان
۱۰۸	۲-۴- مفهوم نقشه شناختی (نقشه ذهنی)
۱۱۰	۳-۴- مطالعات انجام شده در زمینه نقشه شناختی مردم از شهر و محله
۱۱۷	۴-۴- روش بررسی و تحلیل نقشه‌های شناختی ساکنین از محله
۱۲۱	ماحصل فصل

فصل پنجم: نمونه مطالعاتی اول (محلات قراردادی در طرح‌های توسعه شهری)

۱۲۳	مقدمه
۱۲۴	۱-۵- تاریخچه شهر مشهد و گسترش کالبدی آن
۱۲۷	۲-۵- معرفی نمونه مطالعاتی اول: محلات قراردادی در طرح‌های توسعه شهری
۱۳۹	۳-۵- ویژگی‌های محلات انتخاب شده
۱۵۳	۴-۵- روش بررسی و تحلیل نقشه‌های شناختی ساکنین از محله
۱۵۶	۵-۵- تجزیه و تحلیل نمونه مطالعاتی اول
۱۶۶	۶-۵- نتایج به دست آمده از نمونه مطالعاتی اول
۱۷۱	ماحصل فصل

فصل ششم: نمونه مطالعاتی دوم (محلات قراردادی شهرداری)

۱۷۳	مقدمه
۱۷۴	۱-۶- معرفی نمونه مطالعاتی دوم: محلات قراردادی شهرداری
۱۷۷	۲-۶- ویژگی‌های محلات انتخاب شده
۱۸۱	۳-۶- روش بررسی و تحلیل نقشه‌های شناختی ساکنین از محله

۴-۶- تجزیه و تحلیل نمونه مطالعاتی دوم..... ۱۸۳

۵-۶- نتایج به دست آمده از نمونه مطالعاتی دوم..... ۱۹۰

ماحصل فصل..... ۱۹۲

فصل هفتم: نتیجه گیری و پیشنهادات..... ۱۹۳

مقدمه..... ۱۹۳

۱-۷- نتایج مطالعه مبتنی بر ادراک مردم از محله..... ۱۹۵

۲-۷- نتایج مطالعه مبتنی بر بررسی محله قراردادی (در طرح‌های توسعه شهری و شهرداری‌ها)..... ۱۹۸

۳-۷- تعریف محله..... ۱۹۹

۴-۷- پیشنهادات..... ۲۰۲

۵-۷- معرفی برخی دستاوردها..... ۲۰۴

۶-۷- ارائه رهنمودها و راهکارهایی در جهت تعریف بهتر محله..... ۲۰۷

کتابشناسی..... ۲۱۴

www.ketab.ir

إِلَهِي وَ أَلْحِقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْإِبْهَاجِ
فَأَكُونَ لَكَ عَارِفًا وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا
وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ
وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

(فرازی از مناجات شعبانیه)

پیشگفتار

محلّه دارای تاریخچه‌ای بسیار طولانی و نقش و جایگاهی خاص در نظام شهرنشینی ایران بوده است. در شهرهای تاریخی ایران، شالوده و ساختار کالبدی-اجتماعی شهر بر نظام محلّه بندی استوار بوده است. با وجود چنین سابقه طولانی در چند دهه اخیر با ورود مفاهیم شهرسازی غربی به کشورمان، الگوها، انگاره‌ها و اصول شکل‌گیری مفهوم سنتی محلّه ایرانی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و مفهوم واحد همسایگی غربی با تعاریف مختلف و به شکلی گسترده‌ای در نظام شهرسازی کشور مورد استفاده قرار گرفت و به این ترتیب مفهوم جدیدی از محلّه در برنامه ریزی و مدیریت شهری کشور تحت عنوان محلّه قراردادی شکل گرفته است.

با وجود پیشینه و سابقه طولانی محلّه در شهرنشینی کشورمان و توجه و تأکید بر به کارگیری محلات شهری در شهرسازی و مدیریت شهری معاصر، تحقیقات و پژوهش‌های کمی بر روی مفهوم محلّه انجام شده است. کتاب حاضر در جستجوی شناخت ذهنیت مردم از مفهوم محلّه و ویژگی‌های آن و قیاس آن با تعریف قراردادی از محلّه است که در حرفه شهرسازی معاصر کشور در بین متخصصین رواج دارد و تفاوت اساسی و بنیادین بین این دو نگرش را مورد تفحص قرار می‌دهد.

این کتاب با رویکردی پژوهشی به بررسی ابعاد مختلف این موضوع می‌پردازد تا بتواند به تبیین نقش و جایگاه محلّه در شهرهای معاصر کشور بپردازد. کتاب سعی دارد حتی الامکان کمبود مطالعات نظری و حرفه‌ای

در زمینه شناخت مفهوم محله در ایران به ویژه در زمان معاصر را تکمیل نماید. از اصلی‌ترین دستاوردهای کتاب معرفی روشی برای تعریف محله بر اساس نقشه‌های شناختی ساکنین است. همچنین در انتهای کتاب، رهنمودها و راهکارهایی برای تعریف بهتر و مناسبتر مفهوم محله در شهرهای معاصر کشور و انطباق بهتر مفهوم محله ادراکی با مفهوم قراردادی محله ارائه می‌گردد.

کتاب حاضر به ۷ فصل تقسیم شده است. پس از مقدمه کتاب در فصل اول ریشه و معنای واژه محله بررسی می‌شود. در این فصل معنای لغوی واژه محله و معنای محتوایی محله و معادل‌های آن در زبان انگلیسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل دوم به بررسی مفهوم محله در تاریخ شهرنشینی و شهرسازی ایران می‌پردازد. در این فصل پس از بررسی سیر تحول تاریخی محله در شهرنشینی ایران (بعد از ورود اسلام)، جایگاه محلات در ساختار کالبدی-فضایی و ساختار اجتماعی شهرهای تاریخی ایران مطرح می‌شود. در همین فصل نظرات برخی از اندیشمندان معاصر ایرانی در ارتباط با مفهوم محله و دسته بندی و نتیجه گیری از نظرات آنان مطرح می‌شود. همچنین نقش و جایگاه محله در طرح‌های توسعه شهری در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از معرفی مختصر انواع طرح‌های توسعه شهری سعی می‌گردد نقش و جایگاه محلات در شرح خدمات این طرح‌ها بررسی شود.

در فصل سوم مفهوم محله/واحد همسایگی در شهرسازی معاصر غرب مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فصل در سیر تحولی تاریخی الگوهای واحد همسایگی در شهرسازی معاصر غرب (در یک قرن گذشته) مطرح می‌گردد و سپس نقش‌های مختلف واحدهای همسایگی و انتقادات به آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل چهارم با توجه به رویکرد اصلی تحقیق، مفهوم نقشه شناختی و مطالعات انجام شده در زمینه نقشه‌های شناختی مردم از محله بررسی می‌شود و سپس روش بررسی نقشه‌های شناختی ساکنین از محله که در نمونه‌های مطالعاتی کتاب مورد استفاده قرار گرفته است، ارائه می‌شود.

در فصل پنجم نمونه مطالعاتی اول کتاب معرفی می‌گردد. نمونه مطالعاتی اول شامل ۶ محله از محلات طرح تفصیلی شهر مشهد می‌باشد. پس از بیان روش بررسی و تحلیل نقشه شناختی ساکنین در نمونه مطالعه، ویژگی‌های هر یک از محلات نیز معرفی می‌شود. در ادامه به تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از نمونه موردی اول پرداخته می‌شود. در فصل ششم نمونه مطالعاتی دوم شامل ۴ محله از محله بندی شهرداری مشهد بررسی می‌شود. در این فصل نیز همانند فصل قبل، به تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از نمونه موردی دوم پرداخته می‌شود. در پایان این دو فصل نتیجه گیری مرتبط با هر یک از نمونه‌های مطالعاتی تدوین می‌شود.

فصل هفتم به نتیجه گیری و پیشنهادات اختصاص دارد. در این فصل سعی می‌گردد یافته‌های تحقیق به صورتی منظم و دسته بندی شده و سپس تعریف محله در شهرهای معاصر ایران بر اساس نتایج تحقیق و موقعیت محله در بافتهای شهری و گسترش‌های شهری جدید تبیین شده است. در همین فصل در نهایت رهنمودها و

راهکارهایی برای تعریف بهتر و مناسبتر محلات در طرح‌های توسعه شهری و محله بندی پیشنهادی شهرداری‌ها معرفی می‌گردد.

با حمد و سپاس از درگاه خداوند متعال و با درود و سلام بر حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله و علیه و آله) و اهل بیت مطهرش که توفیق نوشتن این کتاب را برای بنده خود فراهم کرد، بر خود لازم می‌دانم تا از خانواده گرامیم به خاطر همراهیشان و همه بزرگوارانی که در انتشار این کتاب نقش داشته‌اند سپاسگزاری و تشکر نمایم.

از مرحوم پدرم دکتر علی ثقة‌الاسلامی، قدردانی می‌نمایم. سپاس خود را به اساتید بزرگوار سرکار خانم دکتر بهناز امین‌زاده و جناب آقای دکتر محمد نقی‌زاده با راهنمایی‌های ارزنده‌شان تقدیم می‌دارم و از کلیه اساتید و دانشجویان محترم که در طول مراحل تهیه این کتاب همکاری داشته‌اند، تشکر می‌نمایم. امیدوارم اساتید، متخصصان، دانشجویان و کلیه عزیزانی که این کتاب را مطالعه می‌کنند نظرات اصلاحی خود را به نویسنده یادآوری نمایند تا ان شاء الله تعالی در چاپ‌های آینده مورد بازنگری قرار گیرد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

مشهد مقدس

خرداد ماه ۱۳۹۱ هجری شمسی

رجب المرجب ۱۴۳۳ هجری قمری

www.ketaboo.ir

مقدمه

پیدایش مفهومی چون "محله" دارای تاریخچه‌ای طولانی در نظام شهرنشینی ایران و جهان است و ریشه در زندگی جمعی مردم و ارتباطات اجتماعی آنها با هم دارد. در سطح جهانی بررسی‌های باستان‌شناسی و تاریخی نشان می‌دهد تقسیم فضایی شهرها به مناطق مسکونی از جمله محلات شهری نشانه‌ای از زندگی شهری از شهرهای اولیه تا عصر حاضر است. محلات محدوده‌های کوچکی بوده‌اند با تعاملات اجتماعی چهره به چهره قوی که نیروهای اجتماعی در خلق و شکل‌گیری آنها نقش مهمی داشته‌اند.

بررسی تاریخ شهرنشینی ایران نشان می‌دهد، در شهرهای تاریخی ایران، سال‌ها ساختار کالبدی-اجتماعی شهر بر نظام محله بندی استوار بوده است و محله به عنوان واحد پایه‌ای چنین ساختاری، آنچنان تأثیری در شکل‌گیری شهر داشته که شهرها بر اساس وجود محله‌ها تعریف می‌شده‌اند. زندگی و زیست شهری ایرانیان در گذشته در سه سطح خانه مسکونی، محله و شهر وجود داشته است و به این ترتیب محلات دارای نقش و جایگاه ویژه در سطح شهرها بوده‌اند (فلامکی، ۱۳۷۴).

عوامل متعددی مانند عوامل فرهنگی (داشتن دین و اعتقادات مذهبی مشترک یا زبان مشترک)، عوامل اجتماعی (از قبیل پیوندهای طایفه‌ای، قبیله‌ای و خویشاوندی)، عوامل اقتصادی (نوع کار و اشتغال)، عوامل تاریخی (داشتن خاستگاه و پیشینه مشترک تاریخی)، عوامل جغرافیایی- اقلیمی (ویژگی‌های خاص یک مکان) و

عوامل دفاعی - نظامی (تامین امنیت) می‌توانست موجب پیدایش تجمع گروه‌های انسانی در جهت تامین نیازهای مشترک و زندگی آنها در قلمرو فضایی مشخص و دارای مرزها و حدود معین کالبدی شود و به این ترتیب مفهوم محله تجلی کالبدی و عینیت یابد (سلطان زاده، ۱۳۶۷؛ توسلی، ۱۳۷۶؛ حبیبی، ۱۳۸۰). تجمع اجتماعی در قلمرو محله امکان می‌داد مفاهیمی ارزشمند از زندگی اجتماعی (مانند تامین مناسب نیازهای عمومی و مشترک، حس مشارکت و تعاون در فعالیتها و امور، ایجاد وحدت و همبستگی اجتماعی و غیره) در بین ساکنین محله ایجاد گردد. روابط اجتماعی در محله در اثر تماسها و معاشرتهای هر روزه و مداوم اهالی و اشتراک آنها در شکل دادن سرنوشت مشترکشان موجب تحکیم روابط همجواری می‌شد و به وحدت و انسجام آنان می‌افزود. به این ترتیب محله زمینه و بستر مناسبی را برای ارتقاء روابط همسایگی و تحکیم روابط اجتماعی ایجاد می‌کرد که در تعالیم فرهنگ اسلامی به آن اهمیت داده شده است. در شهرهای ایران محلات به مثابه یک اجتماع محلی که واحدی اجتماعی و جغرافیایی است، از واحدهای اصلی ایجاد روابط اجتماعی در شهرها و کانونهای شکل گیری هویت اجتماعی و فرهنگی به شمار رفته و می‌توان گفت محله ایرانی جزئی از فرهنگ و هویت مردم این سرزمین به شمار می‌آید.

محلات به عنوان سلولها و عناصر پایدار سازنده سکونت ساکنان شهر در کنار هم در ساخت و سازمان فضایی شهر دخیل بوده اند، چرا که سازمان فضایی شهرهای قدیم ایران بر پیوند میان مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی و میدانها استوار بوده است (توسلی، ۱۳۷۶ الف). مرکز محله به مانند هسته و قلب هر محله محسوب می‌شود. مرکز محله علاوه بر تامین نیازهای روزمره و خدماتی مردم ساکن، فضایی برای اجتماع اهالی محله بوده و حتی الامکان در مکانی قرار می‌گرفت که بهترین نحوه دسترسی را برای همه اهالی فراهم آورد.

همراه با تحولات گسترده جهانی در دو قرن گذشته، تحولاتی در نظام اجتماعی و اقتصادی کشور به خصوص از اواخر دوره قاجار و اوائل دوره پهلوی اول اتفاق افتاد. این تحولات مفهوم شهرنشینی و نظام شهرنشینی در ایران را دچار دگرگونی کرد و مفاهیم شهرسازی سنتی کشور را پیش از آنکه فرصت و امکان سازگاری با فناوری و شرایط جدید را بیابد، مورد بی‌توجهی قرار گرفت. شهرهای ایران که دارای ویژگی‌های تکامل یافته‌ای در طی قرن‌های متمادی بودند در عرض چند دهه دچار تحولات عظیمی شدند و به همراه آن مفهوم محله نیز دچار تغییر و تحول شد و تغییرات گسترده‌ای در ساختار کالبدی و اجتماعی محلات تاریخی ایجاد شد.

تغییر در نظام اجتماعی و اقتصادی کشور، دگرگونی‌هایی را در نظام اسکان در کشور به همراه داشت. در دوره معاصر همبستگی و پیوندهای اجتماعی و قومی تاثیر خود را در جانمایی افراد تا حد زیادی از دست داده است. افزایش ناموزون جمعیت شهری و گسترش بی‌رویه شهرها و گسترش سریع فضاهاى مسکونی باعث برهم خوردن ساختار محلات نسبت به گذشته گردید. شهرها و به دنبال آن محلات شهر ایرانی، در دوره معاصر همه

تفکرات، مفاهیم، اصول و مبانی شکل‌گیری خود را به فراموشی می‌سپارد و دست به ایجاد تغییراتی می‌زند که امروزه دیده می‌شود.

گسترش سریع بافتهای مسکونی و انجام برنامه‌های خانه‌سازی به علت نیاز شدید به مسکن، به هیچ وجه آن یگانگی و انسجامی را که در محلات سنتی حکمفرما بود، در خود ندارد و این در حالی است که جمعیت استفاده‌کننده در مجموع با همان ایده‌ها و نگرشهایی است، که قبلاً داشت. امروزه محلات مسکونی ساخته می‌شوند تا مردم با گوناگونی‌های قومی، اجتماعی، آداب و رسوم و بر حسب توان اقتصادی و نیازهای مادی خود، خانه‌ای از یک محله مسکونی را بدون ارتباط در جوه مشترک زندگی جمعی و ارتباط با دیگران، در قالب فضاهای مستقل انفرادی و به دور از حیات و داد و ستد اجتماعی برگزینند و در آن زندگی کنند. بسیاری از محلات مسکونی جدید به مثابه خوابگاهی هستند که جمعیت متقاضی مسکن را بدون داشتن ارتباط روحی و عاطفی با دیگران در خود جای می‌دهند (شبه، ۱۳۷۳).

بی‌توجهی به ارزشها و باورهای فرهنگی و ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، اقلیمی در شکل‌دهی به محیط شهری و الگو برداری از برنامه و طرح‌های کشورهای غربی با مبانی ارزشی کاملاً متفاوت باعث دگرگونی زیاد و تخریب محلات مسکونی ابتدا در بافتهای تاریخی شهرها و سپس در گسترش بافتهای یکسان و همانندی در همه شهرها شد، به طوری که انسان شهر نشین امروز کمتر احساس تعلق خاطری با محیط شهری اطراف خود دارد و ادراک و شناخت او نسبت به مکانی که در آن زندگی می‌کند بسیار کم می‌باشد.

از بین رفتن حس همبستگی، اتحاد و پیوندهای اجتماعی در مردم ساکن محله، گم شدن شاخصهایی که محلات را در گذشته تعریف می‌کرده است (مانند مرکز محله که در آن زندگی اجتماعی و روابط و تعاملات اجتماعی وجود داشت) و عدم وجود حس هویت مکانی در محلات شهری امروز از جمله مسائل و مشکلاتی است که در طی دهه‌های اخیر در سطح محلات شهری دیده می‌شود.

برنامه‌ریزی و طراحی برای اتومبیل و الویت حرکت سواره در تمامی فضاهای محله و بی‌توجهی به عابر پیاده و نیازهای او، باعث متلاشی شدن بسیاری از محلات قدیمی و قطعه‌قطعه شدن آنها توسط خیابان‌کشی‌های جدید و تعریض‌های حساب نشده گردید. از بین رفتن فضاهای شهری و بستر زندگی جمعی در محلات، در نظر نگرفتن حریم و قلمروها در طراحی فضاها، محو شدن عرصه‌های حد واسط فضاهای عمومی و خصوصی و عوامل مختلف دیگر باعث گردید مفهوم محله که یکی از عوامل اصلی در هویت بخشی و احساس تعلق مردم به محیط شهری باشد از بین رود و محلات به سمت اضمحلال گام بردارند، به طوری که در حال حاضر با کنار هم قرار گرفتن تعدادی واحدهای مسکونی و معابر ارتباط دهنده به سختی می‌توان تعریفی مشخص از محله ارائه داد، چرا که محله مسکونی دارای ویژگی‌های مشخصی است که آن را نسبت به بافت مسکونی متمایز می‌کند.

امروزه گسترش و شکل‌گیری بافت‌های مسکونی بی‌هویتی در روند گسترش شهری دیده می‌شود. بافت‌های شطرنجی که با طرح‌ها و ضوابط یکسان بدون در نظر گرفتن عوامل اقلیمی، جغرافیایی و فرهنگی و اعتقادات مردم اجرا می‌شود و از طرفی بسیاری از محلات تاریخی و موجود در سطح شهرها نیز دستخوش تغییرات گسترده فضایی و اجتماعی گردیده‌اند. همچنین علیرغم غنای مفهوم محله و الگوهای محله‌ای در شهرهای تاریخی کشورمان و نقش و جایگاه ویژه‌ای که در ساختار فضایی-اجتماعی شکل‌گیری شهرها داشته است، در چند دهه اخیر در نظام شهرسازی کشور و در طرح‌های توسعه شهری، الگوهای طراحی واحد همسایگی غربی که بر مفاهیم کالبدی-عملکردی تمرکز دارند مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد. طرح‌های توسعه شهری در بافت‌های جدید مسکونی به دنبال ایجاد الگوی واحد همسایگی غربی بودند که در عمل نتوانستند این الگو را به اجرا در آورند، به طوری که در حال حاضر مفهوم محله با نوعی تشنگی آراء و عدم تعریفی مشترک هم از لحاظ متخصصین و هم از لحاظ مردم روبرو است.

در یک دسته بندی می‌توان مشکلات موجود در سطح محلات شهری را به چند دسته تقسیم کرد:

تغییرات در ساختار کالبدی محله

یکی از عوامل اصلی تغییرات ساختار کالبدی محله، ورود خودرو به شهرهای کشور و امکان حرکت راحت آن در بافت‌های مسکونی است که باعث تخریب فضای کالبدی محلات و شکل‌گیری بافت‌های شطرنجی شد که در تمامی شهرهای کشور دیده می‌شود.

در سطح جهانی، خودروی شخصی در قرن گذشته میلادی، آزادی شکفت آوری را برای جا به جایی به شهرنشینان اعطا کرد ولی محیط شهری را در جهت تسهیل حرکت خویش با چنان سرعت، شدت و وسعتی تخریب نمود که باعث تضعیف زندگی اجتماعی در بافت‌های شهری گردید. در شرایط شهرهای ایران برای تسهیل حرکت سواره، خیابانهای جدیدی احداث شدند که حریم و قلمرو محلات را شکافتند و مراکز محله با تغییر مکان در اطراف خیابانهای جدید شکل گرفت. خیابان‌های طویل و مستقیم که تقریباً تمام شهر را طی می‌کردند، به جای راسته‌های پر پیچ و خم محلات تاریخی قرار گرفتند.

ظهور شکل‌های کاملاً شطرنجی در نظام دسترسی شهرها تلاشی در جهت تسهیل استفاده از خودرو و تثبیت تسلط آن در بافت‌های شهری بود. در محورهای مستقیم شبکه‌های ایجاد شده، خودرو به راحتی می‌توانست حرکت کند. از طرفی در نظام شطرنجی همه معابر به هم راه داشتند و اتصال ده‌ها کوچه و خیابان محلی به محورهای عبوری و شهری باعث کاهش سرعت حرکت سواره می‌شد. بدیهی است که در این شرایط رانندگان گرفتار در ازدحام و شلوغی مسیرهای اصلی به داخل قلمرو محلات می‌آیند و به این ترتیب دور باطلی شکل

گرفت که حاصل آن، محلاتی شلوغ و آسیب دیده و محورهای اصلی پر ازدحام و شلوغ بود. وجود شبکه شطرنجی و تعریض پیاپی خیابان‌های مسکونی و محلی - علاوه بر آنکه مشکلات ترافیک شهری را حل نکرد - باعث گردید در چنین بافت‌هایی سواره از هر جایی که مایل بود وارد قلمرو محله شده و از هر کجا خواست خارج شود. در چنین شرایطی ورودی‌های محله معنای خود را از دست می‌دهند و به این ترتیب فضای محلات که می‌توانستند فضاهایی آرام، خودمانی و دنج باشند (همانگونه که قرن‌ها چنین بودند) به محل عبور سواره تبدیل شد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳). تغییرات در فضای کالبدی محلات بر روی فضای اجتماعی محلات نیز تاثیر گذار بوده و باعث تضعیف زندگی جمعی و تعاملات اجتماعی در فضاهای محله‌ای گردیده است.

تغییرات در ساختار اجتماعی محله

مشکلات موجود در بافت‌های محلات فقط در فضای کالبدی محله وجود ندارد، بلکه در فضای اجتماعی نیز این مسائل و مشکلات دیده می‌شود. رشد شبان جمعیت شهری کشور در ۵۰ سال اخیر و مهاجرت‌های گسترده از روستاها به سمت شهرها باعث تغییرات گسترده در نظام اسکان در شهرها و به تبع آن تغییرات گسترده در نحوه سکونت در محلات شهری گردید. در محلات اسانهایی زندگی می‌کنند که اتفاقاً نحوه زندگی کردن آنها در کنار یکدیگر و نوع ارتباط آنها با هم یکی از وجوه تمایز محله و بافت مسکونی است. در گذشته در بین ساکنین محله همبستگی اجتماعی وجود داشت و ساکنین در محله به نوعی با یکدیگر آشنا بودند. به این ترتیب نوعی زندگی جمعی در سطح محلات وجود داشت. امروزه در بافت‌های مسکونی، ساکنین و اهالی محله بیشتر با یکدیگر غریبه هستند و زندگی جمعی بین ساکنین وجود ندارد. هر کس یک فرد است و نه یک عضو از جمع^۱. به طوریکه اکنون نوعی بی‌تفاوتی شهروندان نسبت به سایرین و محیط زندگی‌شان در بافت‌های شهری احساس می‌شود. عدم حس تعلق نسبت به محیط شهری و عدم حس مکان در محیط شهری احساس می‌شود. شهر امروز به جای تقسیمات متمرکز محله‌ای، به مجموعه‌ای از لایه‌های غیر متمرکز و شبکه‌های مختلفی از روابط گذرا تبدیل شده است.

از طرف دیگر تغییرات در فضای کالبدی محلات بر روی فضای اجتماعی محلات نیز تاثیر گذار بود. اکثر معابر و فضای عمومی محلات که کانون تعاملات اجتماعی ساکنان محله و عامل ارتقای بافت محله بودند، در حد معابر عبوری تنزل مقام یافتند و زندگی اجتماعی از آنها برجسته شد، به طوریکه در میان بافت شطرنجی فعلی، بستری برای تجمع و زندگی جمعی انسان‌ها لحاظ نشده است.

^۱ البته باید نقش فن آوری جدید (شامل رسانه‌های تصویری و اینترنت و غیره) در کمرنگ شدن روابط اجتماعی در سطح شهر و محلات شهر را نیز در

عدم کارآیی طرح‌های توسعه شهری در شکل‌گیری محلات

برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری از قبیل طرح‌های جامع، تفصیلی و غیره نتوانسته‌اند محیط شهری مناسبی برای زندگی مردم در شهرها ایجاد نمایند. نگرش اغلب اینگونه طرح‌ها به مفهوم محله، نگاهی صرفاً عملکردی است. در چنین نگاهی محدوده‌ای که بین چند خیابان قرار گرفته به عنوان محله (محله قراردادی) شناخته می‌شود و بر اساس جمعیت‌پذیری محدوده نیازهای عملکردی و خدماتی آن با در نظر گرفتن سطوحی که بر اساس استانداردها برای کاربریهای مختلف شهری در مقیاس محله مورد نیاز است، در نظر گرفته می‌شود. معمولاً اینگونه فضاها خدماتی (آموزشی، تجاری، فضای سبز و غیره) در مرکز فیزیکی محله قراردادی پیشنهاد می‌شود. در حالیکه در واقعیت، کاربریهای خدماتی مورد نیاز این محدوده شهری در مکان پیش‌بینی شده شکل نمی‌گیرد و معمولاً اغلب این فعالیتها در مرزهای این محدوده قرار می‌گیرند. مفهوم محله، مفهومی پیچیده بوده که نوع ارتباطات و تعاملات اجتماعی مردم در تعریف مرز و قلمرو آن تاثیر زیادی دارد.

عدم تعریف صحیح و هماهنگی از محله بین شهرداری‌ها، سازمانهای مرتبط با امور شهری و مردم

سازمان‌ها و نهادهایی که در مدیریت شهری ایران دخالت دارند جهت سهولت در مدیریت، شهرها را به چند منطقه تقسیم می‌کنند و معمولاً منطقه بندی هر سازمانی با دیگری متفاوت است.^۱ بسیاری از این سازمان‌ها به صورت مستقل از یکدیگر فعالیت می‌کنند و برخی از مشکلات شهری نیز از همین تقسیم بندیهای شهری متفاوت به وجود آمده است. در این میان محلات شهری نیز یکی از انواع تقسیمات شهری است. شهرداری‌ها برای خدمات رسانی مناسبتر و بهتر به مردم به محله بندی شهرها می‌پردازند ولی در بیشتر موارد این تقسیمات با تقسیم بندی طرح‌های توسعه شهری و تقسیم بندی ادارات و نهادهای دیگر دست‌اندرکار امور توسعه شهری منطبق نیست.

متخصصین امور شهری (برنامه ریزان شهری، طراحان شهری، مدیران شهری و غیره) هر یک با نگرشی به محله شهری نگاه کرده و آن را تعریف می‌کنند. این تعاریف مختلف به صورت عملی در نظام تقسیمات شهری در طرح‌های توسعه شهری و نظام محله بندی شهرداری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. تعاریف نهادها و سازمانها از محله با تعریفی که ساکنین از محله دارند قابل سوال و بررسی است. مشکل اخیر عامل مهمی است که باعث تشتت آراء در تعریف محله شده است.

^۱ از ادارات و سازمانهایی که به نوعی به تقسیم بندی شهر می‌پردازند می‌توان از شهرداری، نیروی انتظامی، اداره امور اقتصاد و دارایی، مخابرات، شرکت برق، آموزش و پرورش، پست، آب و فاضلاب، شرکت گاز، سازمان ثبت و اسناد، بهداشت و درمان، سازمان آمار و غیره نام برد. معمولاً معیار تقسیمات شهرداری جمعیت و وسعت قلمرو می‌باشد ولی ادارات دیگر معیارهای متفاوتی برای تقسیم بندی دارند.

مجموع مسائل و مشکلات موجود باعث احساس بی‌ریشگی در بین ساکنین، عدم احساس تعلق، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم مشارکت و بی‌تفاوتی شهروندان نسبت به سایرین و محیط زندگیشان گردیده است. همچنین مردم بر اساس ادراک و شناختشان از محیط شهری، رفتار و عمل می‌کنند و رفتار فضایی مردم در محیط شهری تا حدود زیادی تحت تاثیر ادراک و تصاویر ذهنی آنها از ساختار محیط است (لنگ، ۱۳۸۱؛ Gould & White, 1974; Downs & Stea, 1973). استفاده از امکانات و خدمات محله‌ای نیز بر اساس این ادراک استوار است. اگر تعریف و ادراک ساکنین از محله متفاوت از محله قراردادی باشد که متخصصین شهری در نظر می‌گیرند، استفاده از خدمات و امکانات محله‌ای نیز متفاوت با آنچه در نظر گرفته شده خواهد بود. این تفاوت تعریف از محله باعث مشکلاتی در استفاده از خدمات شهری خواهد گردید. مردم به گونه‌ای در فضاهای محله‌ای رفتار می‌کنند که متفاوت از نگاه متخصصین شهری است و با نظمی که آنها سعی در پیاده کردن در محیط شهری دارند متفاوت است.

در ارتباط با ادراک و تعریف مردم از محله در ایران تاکنون مطالعات مشخصی انجام نشده است ولی مطالعاتی که در کشورهای غربی انجام شده نشان می‌دهد که تعریف مردم از محله متفاوت از تعریفی است که نهادها و سازمانهای مختلف شهری از محله دارند (Coulton et al., 2001). عدم تطابق در تعریف محله از نظر ساکنین و متخصصین شهری باعث مشکلاتی در استفاده از خدمات شهری و عدم شکل‌گیری بسیاری از برنامه‌ها و طرح‌ها در مقیاس محلات شهری شده است.

به این ترتیب در حال حاضر ماهیت مفهوم محله و چگونگی تعریف آن مشخص نبوده، تشتت آراء در این زمینه زیاد است و اجماعی در تعریف محله وجود ندارد. در اینجا سوال اصلی زیر را می‌توان مطرح نمود که "آیا ادراک و شناخت مردم از مفهوم محله همان مفهومی از محله است که محلات قراردادی پیشنهاد می‌کنند؟"

رویکردی که کتاب در مطالعه مفهوم محله دارد، بررسی مفهوم محله از دیدگاه دو حوزه روان‌شناسی محیط^۱ و شهرسازی است. در گام اول بررسی ادراک و تصویر ذهنی^۲ مردم از محله‌شان بررسی خواهد شد. یعنی مطالعه نقشه شناختی^۳ مردم از محله‌شان، نحوه شناخت و تعریف آنها از محله و اینکه آیا این موضوع ادراکی جمعی است یا فردی. به عبارت دیگر خصوصیات مشترک و جمعی ادراک ساکنین از محله چگونه است؟ تا چه حد تصور نقشه شناختی محله بین ساکنین، جمعی و دارای خصوصیات مشترک است؟ آیا می‌توان به یک نقشه شناختی جمعی و مشترک دست پیدا کرد؟

¹Environment Psychology

²Subjective Image

³Cognitive Map(Mental Map)

در گام دوم این موضوع که چه نوع ارتباطی بین ادراک مردم از محله و مفهوم محله قراردادی (به طور نمونه محله پیشنهادی در طرح‌های توسعه شهری و محله بندی شهرداری‌ها) وجود دارد؟ به عبارت دیگر میزان ارتباط و همپوشانی مرزهای محله‌ای که مردم در ذهن خود دارند (نقشه شناختی ساکنین از مرزهای محله) با مرزهای محله قراردادی چگونه است؟

تفاوت اساسی و بنیادی بین دو نگرش، نگاه از بالا به پایین توسط متخصصین و دست اندرکاران امور شهری که محله را به عنوان یک ساختار فضایی سازمان دهنده شهر و یک سلول نظم دهنده می‌بینند و نگاه از پایین به بالا توسط ساکنین محله‌ها که آن را به عنوان مکان زندگی اجتماعی خود می‌شناسند، فرضیه اصلی مطالعه را تشکیل می‌دهد.

بررسی ادبیات موضوعی مربوط به محله در ایران نشان می‌دهد که موضوع ادراک مردم از محله چندان مورد توجه نبوده است و بنابراین ضرورت تحقیق برامون مفهوم محله‌ای که مردم آن را درک می‌کنند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند با محله قراردادی که طرح‌های توسعه شهری یا شهرداری‌ها آن را پیشنهاد می‌دهند، اهمیت می‌یابد. همچنین ضرورت پرداختن به موضوع از جهات مختلف زیر هم قابل بررسی است.

پرداختن به موضوع از لحاظ حرفه‌ای ضرورت دارد. ادراک مردم بر رفتارهای فضایی آنها تاثیر گذار است. بر اساس همین ادراک نیز مردم از خدمات و امکانات شهری استفاده می‌کنند ادراکی ساکنین ممکن است با محله‌ای که توسط برنامه ریزان و مدیران شهری در طرح‌های توسعه شهری و محلات پیشنهادی شهرداری‌ها پیشنهاد می‌شود متفاوت باشد. این تفاوت تعریف از محله باعث مشکلاتی در استفاده از خدمات شهری خواهد گردید. مردم به گونه‌ای در فضاهای محله‌ای رفتار می‌کنند که سفارت از نگاه برنامه ریزان و مدیران شهری است و با نظمی که آنها سعی در پیاده کردن آن در شهر دارند متفاوت است.

از طرفی نگاه شهرسازان به محله نیز با یکدیگر بسیار متفاوت است. در طرح‌های توسعه شهری با اینکه اهمیت زیادی به محله بندی و مطالعه محلات شده است و در پیشنهادات طرح‌ها نیز محلات نقش مهمی دارند ولی عملاً شکل گیری محلات بر اساس طرح‌ها و برنامه‌های در نظر گرفته شده به تحقق و اجرا نرسیده است.

همچنین با توجه به بسط و گسترش دیدگاه‌های انسان محوری و اهمیت یافتن دانش روان شناسی محیطی در شهرسازی، این موضوع نیز اهمیت می‌یابد که ساکنین محله را چگونه ادراک کرده و تعریف می‌کنند. از طرفی با از بین رفتن یا تنزل تعاملات اجتماعی در محلات شهری، لزوم توجه به نگرشی از پایین که محله و روابط موجود در آن را از دید ساکنین نگاه می‌کند ضرورت دارد.

همچنین در حال حاضر در بسیاری از دانشگاهها در رشته‌های برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری، مدیریت شهری، جغرافیا و غیره محله و تقسیمات محله‌ای اساس مطالعات و کارهای دانشجویان در دروس عملی و

کارگاهی را تشکیل می‌دهد. درحقیقت تعریف محله و محله بندی‌ها با چه نوع نگرشی انجام می‌شود؟ آیا فقط حرفه‌ای‌ها هستند که محله را تعریف می‌کنند یا تعریف ساکنین نیز در این امر تاثیر گذار است.

در انتهای این مقدمه بهتر است اهداف کتاب نیز مطرح گردد. اهداف اصلی از این کتاب، مطالعه ادراک و شناخت مردم از محله^۱ در شرایط شهرسازی معاصر کشور، نحوه تعریف ساکنین از محله و به دست آوردن روشی^۲ جهت بررسی نقشه شناختی ساکنین از محله و ارتباط مفهوم ادراکی محله با مفهوم قراردادی محله (در طرح‌های توسعه شهری و محله بندی شهرداری‌ها) است. و همچنین ارائه رهنمودها و راهکارهایی برای تعریف بهتر و مناسبتر محله قراردادی و تطابق بهتر آن با محله ادراکی ساکنین در شهرهای معاصر ایران است.

به همراه اهداف اصلی از نوشتن کتاب برخی اهداف جزئی را نیز می‌توان بر شمرد که شامل موارد زیر است: شناخت مفهوم محله در تاریخ شهرنشینی ایران، شناخت محله در طرح‌های توسعه شهری، شناخت نقش و جایگاه محله در نظام تقسیمات شهری و محله بندی شهرداری‌ها، بررسی مفاهیم، نظریه‌ها و تعاریف جهانی در مورد محله و واحد همسایگی، بررسی مفاهیم مطرح شده در فرهنگ اسلامی در زمینه حق و روابط همسایگی.

امیدوارم کتاب حاضر زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا نتایج کتاب برای ادامه تحقیقات و پژوهشها در زمینه شناخت مفهوم محله در شرایط شهرهای معاصر ایران، استفاده در طرح‌های توسعه شهری، آموزش مفهوم محله در سطح مراکز آموزش عالی و دانشگاهها و همچنین در زمینه احیاء و باز تولید مفهوم محله ایرانی و هویت بخشی به محلات در شهرهای امروز ایران مورد استفاده قرار گیرد.

^۱ اصطلاحاً واژه محله عرفی را نیز برای این مفهوم به کار می‌برند.

^۲ مسلماً روشی که تبیین می‌شود باید قابلیت تممیم پذیری در شهرها و مجتمع های زیستی مختلف را داشته باشد.